

چرا فراموش کردند تیتربزرگشان را! «پرواز هواپیماهای کاغذی در فضای انتخابات»؟! آیا این هواپیما کاغذی بود که خودشان رفتند و در این هواپیما نشستند؟

مردم را دسته دسته نباید بکنیم!



محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه ایران در گفتگویی ویدیویی با «انتخاب» با صراحتی کم سابقه به بی اخلاقی‌ها و اتهامات برخی افراد و گروه‌ها و ادعاهای این روزهای برخی از کاندیداها در مورد برجام و دیپلماسی دولت یازدهم پاسخ داد.

به گزارش اسپادانا خبر، وی در این گفتگو از یلبوردهای معروف شهرداری در حین مذاکرات هسته ای می‌گوید و این سؤال را طرح می‌کند: پول این بنرها از کجا آمده؟ حتما یک فرد نبوده.»

ظریف همچنین به ادعای یکی از کاندیداها در دومین مناظره انتخابات مبنی بر دیپلماسی ملت‌مسانه دولت واکنش نشان داد و گفت: «تعجب می‌کنم از دوستانی که چنین تصویری را که ممکن است در داخل فوایدی برایشان داشته باشد ولی در خارج برای نظام و کشور هیچ فایده‌ای که ندارد، ضرر هم دارد که به خارجی‌ها بگوییم دیپلماسی ما ملت‌مسانه است که کم‌کم هم باورش‌مان می‌شود. یعنی فکر می‌کنند که افرادی که با این صلابت در مقابلشان می‌نشینند و مذاکره می‌کنند در واقع از نظر داخلی‌ها دارند التماس می‌کنند! و این خیلی پیام بد و آدرس غلطی است که به خارجی‌ها در این زمینه‌ها بدهیم.»

وزیر خارجه ضمن گلایه از اتهامات ناروا به تیم مذاکره‌کننده و توافق بدست آمده گفت: «چرا فراموش کردند تیتربزرگشان را «پرواز هواپیماهای کاغذی در فضای انتخابات»؟! آیا این هواپیما کاغذی بود که خودشان رفتند و در این هواپیما نشستند؟ دوستانی که در هواپیما نشستند، روی بادبادک نشستند و به هوا رفتند؟ هواپیما، کاغذی بود؟ فراموش کردند فرمایشات خودشان را؟ فراموش کردند تیتربزرگشان را؟»

ظریف می‌افزاید: «دوستان ما در داخل می‌گویند که پرواز هواپیماهای کاغذی در فضای انتخابات یعنی دارند به خارجی‌ها خط می‌دهند که آقای عزیز و آقای غیرعزیز! شما قرار نیست که این هواپیما را به ما بدهید و ما آماده ایم که تعهدات شما اجرا نشود. این حرفها را دارند می‌زنند.»

وزیر خارجه همچنین در پاسخ به سئوالی در مورد شعار 96 درصد و 4 درصد برخی افراد که برگرفته از جنبش‌هایی در غرب است، گفت: «من اصولاً اعتقاد دارم آنچه که باعث موفقیت مردم و نظام شده و آنچه که باعث شد انقلاب پیروز شود، همانی است که حضرت امام(ره) فرمودند «وحدت کلمه» بود. ما یک مردمیم، یک جامعه ایم، یک هدف داریم. مردم را دسته دسته نباید بکنیم. ما باید بپذیریم که آنچه که براساس نص صریح قرآن توانست امت اسلامی را نجات دهد، وحدت، همدلی و نزدیک شدن آنها بود و نقطه مقابلش را قرآن کریم به «وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» تعبیر کرده و به این عنوان ترسیم می‌کند. یعنی دو دستگی، دو قطبی شدن در واقع ورود به یک آتشی است که دامن همه را خواهد گرفت و به واسطه اسلام از آن نجات یافتیم.»

متن کامل گفتگوی ویدیویی «انتخاب» با ظریف در زیر می‌آید:

*این روزها که دوباره فضای سیاسی کشور و برخی جریان‌های منتقد دولت و جناب‌عالی برای حمله به شما مهیاست، حال و روز

شما چطور است؟

بسم الله الرحمن الرحيم. بنده هم خدمت شما و همه دوستان سلام عرض می‌کنم. به هر حال به لطف خدا در طول 20، 30 سال گذشته مخصوصاً در طول 3 سال گذشته به محبت‌هایی که توسط برخی صورت می‌گیرد، عادت کرده‌ام. امیدوارم نقطه نظرانی که مطرح می‌شود، اولاً مطابق با واقعیت باشد. چون متأسفانه خیلی صحبت‌هایی که شنیده می‌شود، اصولاً ارتباطی با واقعیت ندارد. مخصوصاً در حوزه سیاست خارجی، ادعاهایی می‌شود. مثلاً اینکه پول نفت هنوز نمی‌تواند به ایران بیاید! هر بار هم که دولت، دیگران، وزارت نفت، بانک مرکزی و وزارت خارجه اعلام می‌کند، ظاهراً دوستان قرارشان این است که پول به کشور وارد نشود و به همین دلیل هم شاید این را دوست دارند و متأسفانه تکرار می‌کنند. ما عادت کرده‌ایم. من و همکارانم عادت کرده‌ایم. دوران سختش را هم پشت سر گذاشتیم. دوران سختش زمانی بود که ما برای مذاکره می‌رفتیم و توقع داشتیم که از ایران حمایت دریافت کنیم. چون همه گفته بودند که این افراد در صف مقدم نبرد دیپلماتیک هستند. مقام معظم رهبری، بارها با محبت و بزرگواری بی‌ظنیرشان از گروه مذاکره‌کننده حمایت کرده بودند اما در زمان مذاکره مجبور بودیم از یکطرف مراقب شش قدرت برتر دنیا باشیم که منافع ما را زیر سوال نبرند چون ما در یک محیط نابرابری تلاش می‌کردیم، حقوق ملت را احیاء کنیم. با اینکه آنها شش کشور بودند و ما یک کشور بودیم، الحمدلله به مردمان متکی بودیم. درحالی که شورای امنیت قطعنامه‌های متعددی علیه ما صادر کرده و کارهای خلاف دیگری که علیه این مردم تهیه کرده بودند را داشتند و ما باید همه آنها را از سر راه بر می‌داشتیم. در این مصاف دشوار، هر روز نگران اتهامات حتی بیش از اتهامات، افتراهایی که در داخل علیه ما مطرح می‌شد هم بودیم و هم زمان باید مذاکره هم می‌کردیم. سختی اش مال آن دوران بود. به هر حال امروز یک قسمت نقد است که حتماً از نقد صادقانه و صریح استقبال می‌کنیم. اما یک قسمتش واقعاً تلاش برای پوشاندن واقعیت است. یک قسمتی هم ظاهراً تلاش برای ایجاد یک احساس سرخوردگی در بین مردم است. من نمی‌فهمم چه دلیلی دارد؟! مردمی که همه دنیا می‌گویند مردم سربلندی هستند. مردمی که همه دنیا در برابر مقاومت و ایستادگی شان و در برابر انتخاب هوشمندانه شان سر تعظیم فرود آورده‌اند. کسی را در دنیا پیدا نمی‌کنید که ادعا کند ایران در مذاکرات هسته‌ای، متضرر شد. اگر تمام تبلیغات را ببینید، حتی کسانی که در طرف مقابل می‌خواهند از کار خودشان دفاع کنند، هیچگاه این ادعا را نکرده‌اند. من تأسف می‌خورم که چرا یک گروهی از افرادی که دلسوز انقلاب و نظام هستند، در تبلیغاتشان جوری وانمود می‌کنند که انگار کسی می‌تواند با نمایندگان این مردم جز از راه تعظیم و تکریم برخورد کند. این قسمت بنده و همکارانم را قدری آزرده می‌کند که چرا برای برخی منافع زودگذر، اصل اقتدار نظام زیر سوال می‌رود؟ دوستان باید همه بدانند که ما همه در یک کشتی نشستیم و نباید اقتدار نظام را که در هر زمانی توسط دولت آن زمان به دنیا ارائه می‌شود، اینگونه زیر سوال برد.

*حدود اطلاعات این افراد را چگونه توصیف می‌کنید با توجه به اینکه برخی این اواخر گفته‌اند که در مورد بحث هسته‌ای در جلسات زیادی شرکت می‌کنند! آیا اساساً حضور در جلسات می‌تواند اطلاعات را در زمینه هسته‌ای و سیاست خارجی تکمیل کند؟

من نمی‌توانم راجع به اطلاعاتی که افراد محترم دارند، قضاوت کنم. اما خیلی از آنچه که در مورد واقعیات برجام اظهار و ادعا می‌شود، خلاف واقع است. مثلاً گفته می‌شود که ما نتوانستیم پول نفت را به کشور برگردانیم! که این خلاف واقع است یا اظهارات دیگری که می‌شود از قبیل اینکه ما مجبوریم پول نفت را با کالای بنجل وارد کشور کنیم. تعجب می‌کنم اینها واقعیاتی بود که 4، 5 سال پیش اتفاق می‌افتاد. 4، 5 سال پیش بود که مجبور بودیم به جای پول نفت مان کالاهای مصرفی یا کالاهای بسیار لوکس وارد کنیم تا بدین طریق پول وارد کشور شود. اما آن زمان متأسفانه کسی صحبتی نمی‌کرد. آن زمان من کمتر نقد می‌شنیدم. اما امروز که پول نفت مان را به ارزهای معتبر بین‌المللی وارد می‌کنیم و مجبور نیستیم هیچکدام از آن روشهای از یک طرف ظالمانه و از یک طرف پرفساد که در دوره گذشته اتفاق می‌افتاد را تجربه کنیم و از آن روشها استفاده کنیم، دوستانی که در تمام آن هشت سال سکوت کرده بودند و یا حمایت می‌کردند و یا آن اقدامات را نشانه اقتدار ملی می‌دانستند! امروز نمی‌دانم براساس کدام داده‌ها می‌آیند و ادعاهای خلاف می‌کنند. البته درست است که آمریکا بدعهدی کرده و درست است که آمریکا هیچ‌جا از روی علاقه و آمادگی برای اجرای تعهداتش وارد نشده. درست است که در مسیر باز کردن همکاریهای بانکی، همکاران بنده و همینطور همکاران ما در نظام بانکی کشور، تلاش زیادی کرده‌اند اما این به این معنا نیست که باز نشده بلکه به این معناست که تلاش و کوشش کردیم و این هم قسمتی از دیپلماسی است. من متأسفم که چرا این اطلاعات غلط را به دوستان داده‌اند یا دوستان براساس برخی مستندات که یا تاریخش گذشته یا برای جای دیگری بوده، مثلاً اظهاراتی که ما در محیطهای خارجی می‌کنیم، اظهاراتی که در برابر زیاده‌خواهی‌های طرف مقابل می‌کنیم، برای فشار بر طرف مقابل است و قرار نیست از آن به عنوان یک روشی برای کوبیدن دستاوردهای سیاست خارجی استفاده شود. به هر حال من امیدوارم که با یک نگاه واقع‌بینانه تری با قضایا برخورد شود تا ان شاءالله همه مردم که به تدریج آثار برجام را مشاهده می‌کنند، نسبت به آینده اقتصاد کشور و معیشت خودشان، خیلی امیدوارتر باشند.

*گفتند که برجام تصمیم نظام بود و هر دولتی که بود این مسیر را می‌رفت. به نظر شما اگر دولت دیگری بود و تیم مذاکره‌کننده دیگری این مسیر را می‌رفت، آیا سرانجام برجام همینی بود که امروز بود؟

من قطعاً پیشگو نیستم و قطعاً هم نمی‌توانم در مورد اگرها صحبت کنم ولی می‌توانم در مورد گذشته صحبت کنم. چون بالاخره کسانی که این صحبتها را بعضاً مطرح می‌کنند، همکاران و همفکرانی دارند که هشت سال مسئولیت مذاکره را برعهده داشتند با شرایط بسیار آسان تر و سهل تر. در شرایطی که ما تحریم بین‌المللی نداشتیم یا در شرایطی که اگر تحریمی هم بود، بسیار محدود بود و هنوز تحریم‌هایی که در سالهای پایانی یعنی در سالهای بین 90 تا 92 علیه ایران اعمال و تحمیل شده بود، هنوز به نتیجه نرسیده بود. خوب، آن زمان چگونه مذاکرات به نتیجه نرسید؟ چرا هر دوری که دوستان ما مذاکره کردند، نتیجه مذاکره این شد که یک تحریم جدید علیه کشور تصویب شد؟ چرا ملاک و درجه اندازه‌گیری دوستان ما، واقعیات نیست؟ چرا نگاه نمی‌کنند که چند تا تحریم در آن دوره تصویب شد؟ چرا فکر نمی‌کنند که هر بار که نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی

به آمریکا رفت یا در واشنگتن تحریم جدیدی علیه ایران گرفت یا در سازمان ملل متحد، تحریم جدیدی علیه ایران گرفت؟ چرا نگاه نمی کنند که در سه سال و نیم گذشته، هیچ تحریم جدیدی علیه ایران تصویب نشده؟ تنها تحریم هایی که -- البته ما به آنها اعتراض کردیم و معتقد هم هستیم که خلاف روح برجام بوده -- اضافه شدن افراد به تحریم های قدیمی و گذشته بوده است. دوستانی که این میزان در مورد این موارد جدید صحبت می کنند، اصلا ظاهرا به خاطر نمی آورند که هر شش ماه یک تحریم جدید به تحریم های ایران اضافه می شد. تا جایی که تقریبا هر تحریمی که در تاریخ علیه کسی اعمال شده بود، فهرستش علیه ایران در حال کامل شدن بود و همه آنها برای ما شکل گرفته بود. این واقعیات را نگاه نمی کنند. لذا اینکه پیش بینی شود اگر دولت دیگری هم بود، همین اقدام را انجام می داد، ممکن است درست باشد ولی گذشته چنین چیزی را قطعا نشان نمی دهد.

* بیلوردهایی که در سطح شهر توسط شهرداری تهران گذاشته شده بود را در ایامی که مذاکره می کردید، قطعا دیده بودید.

البته من نمی دانم چه کسی این بیلوردها را گذاشته بود ولی امیدوارم کسانی که این اقدام را کردند، احساس کنند فشاری به افرادی که به فرموده مقام معظم رهبری «امین و شجاع و غیور و متدین» بودند که چنین تلاشی را شبانه روز انجام می دادند، نیاورده اند و در برابر وجدان خودشان آسوده باشند که این تلاش و حرکتی که می کردند، همکاران من را که برخلاف گذشته که در یک روز ممکن بود حداکثر 4، 5 ساعت مذاکره شود و هیچوقت هم از دو روز بیشتر نمی شد اما در دوره ما بعضا سه تا چهار هفته و هر روز و بعضی روزها 10 تا 12 ساعت مشغول مذاکره بودند، آزرده نکرده باشد. حتما شنیده اید که یک مذاکره بنده با آقای کری 9 ساعت یکسره از ساعت 9 شب تا 6 صبح روز بعد بدون توقف ادامه داشت. خبرنگاران و اصحاب رسانه ای که در لوزان بودند، این را شنیدند و دیدند و بعد هم گفتند که در تاریخ آمریکا طولانی ترین مذاکره ای است که وزیر خارجه آمریکا داشته. خب، این همه فشار را ببینید. برای تعریف کردن داستان کسی 9 ساعت با همدیگر نمی نشیند. فشار بوده، مذاکره بوده و تلاش بوده برای به حداکثر رساندن منافع کشور. در این فضا دوستان ما یکی پس از دیگری این پوسترها و بنرها و پلاکاردهایی که ساخته می شد که من نمی دانم چگونه و از کدام بودجه ساخته می شد را در سطح شهر نصب می کردند. من در بعضی از راهپیمایی هایی که شرکت می کردم، می دیدم بنرها و پلاکاردهای متحدالشکل، تمام رنگی، مقوا علیه بنده و همکارانم ساخته شده و دست بعضی دوستان هست که با حرکتی نامناسب و خارج از شئون یک جامعه اسلامی این بنرها را نشان می دادند. حالا اینکه این بنرها و پلاکاردها و پوسترها، روحیه رزمندگان صف اول دیپلماسی را تضعیف می کرد، به کنار! اما پولش از کجا آمده؟ کدام منبع مالی در این حجم وسیع؟ من بعید می دانم کار فردی بود. چون هیچکدام از اینها دستنویس نبود بلکه متحدالشکل، یک شکل و یک قیافه با بهترین چاپ رنگی بود که حتما از بودجه بنده که خارج است که بخواهم شخصی یا حتی سازمانی چنین کاری را بکنم. تعجب می کنم این پولها از کجا آمد و چگونه خرج شد؟ چه فایده ای داشت و چه کمکی به هیات مذاکره کننده کرد؟ به پیش بردن اهداف نظام در مذاکرات چه کمکی کرد؟ جز خراب کردن روحیه کسانی که باید با استقامت مقابله می کردند. اما اینجا هم باید یک نکته را بگویم؛ مردم ما آنقدر لطف کردند. چون آنها (مخالفین) یک گروه کوچکی هستند هرچند که امکانات وسیعی دارند، متأسفانه، اما تعداد، تعداد بسیار محدودی است. اکثریت جامعه ما با حمایتها و محبتی که می کردند و با پیامهایی که ارسال می کردند، آنچنان به هیات مذاکره کننده روحیه می دادند که این چند نمونه -- که امیدوارم از سر ناآگاهی باشد، چون یقین دارم که همه دوستان نیت خیر داشتند و نمی خواستند به منافع ملی ضرر بزنند -- فکر می کنم آنقدر دریای محبت مردم و مقامات عالی نظام بویژه محبتی مقام معظم رهبری و حمایتی رئیس جمهور شجاع ما زیاد بود که فکر می کنم این مهرورزی ها روی همکاران من خیلی تاثیر نمی گذاشت!

* همانهایی که بیلوردها را در سطح شهر می زدند همین الان به گفته آقای روحانی با برجام عکس یادگاری می گیرند و الان هم برجام را سند ملی می دانند.

بنده بسیار خوشحالم که دوستان ما همه همین اعتقاد را دارند. درست است که برخی در همین چند روز محبتی هم در همین زمینه کردند اما معلوم است که بزرگترهایشان و در واقع مسئولین شان آنقدر درایت دارند و به نظرات مردم آگاهند که امروز نسبت به برجام کاملا واقفند که ما باید حداکثر بهره برداری را از برجام داشته باشیم. این واقعا جای خوشحالی است که برجام امروز یک اجماع ملی است و این مهمترین عامل برای موفقیت برجام است و ان شاء الله خواهد بود. اینکه با یک اجماع ملی که امیدوارم بدنبال اظهارات حمایتی از برجام در عمل هم مجموعه دیدگاه ها و گروه های سیاسی به اجرا کردن برجام و گرفتن حقوق مردم ما کمک کنند؛ به برهم زدن طرح تندروهای آمریکایی هم کمک کنند. من یک نکته ای را خدمت شما عرض می کنم؛ ببینید! لویجی که در مجلس آمریکا مطرح می شود؛ البته چون سیستم آمریکا کمی با ما فرق دارد ما به آن طرح قانونی می گوئیم یعنی چیزی که از مجلس نشأت می گیرد. از ابتدای اجرایی شدن برجام تا امروز، شاید 53 طرح قانونی در مجلس نمایندگان و در سنای آمریکا برای اعمال تحریم علیه ایران پیشنهاد شده اما هیچکدامشان تصویب نشده. چرا این طرح ها پیشنهاد شده؟ باید این سوال را از خودمان بپرسیم که چرا این طرح ها را پیشنهاد می کنند و چرا این طرح ها را بدون اینکه تصویب بشود تبلیغ می کنند؟ چرا هر روز یک حرف منفی علیه ایران می زنند؟ چرا زمانی که دولت جدید آمریکا، دولت آقای ترامپ می خواهد به کنگره اعلام کند که ایران برجام را اجرا کرده همزمان کاخ سفید به وزارت خارجه دستور می دهد که شما باید این حرف مثبت را در یک زورق تلخ منفی ببیچید؟ چون همیشه یک ماده تلخ را در یک کپسولی می گذارند که تلخی اش معلوم نباشد اما اینها برعکس می گویند. شما خواندید روزنامه وال استریت ژورنال گزارش داد که کاخ سفید به وزارت خارجه دستور داده بود که شما نمی توانید مثل گذشته فقط اعلام کنید که ایران برجام را اجرا کرده. اما اگر اعلام نمی کردند، نقص برجام بود و نمیخواستند ناقص برجام باشند چون همانطور که ما قبلا پیش بینی کرده بودیم هرکس برجام را نقص کند در جامعه بین المللی خودش را منزوی می کند؛ لذا نمی خواستند این کار را بکنند. اما گفتند نباید اجازه دهیم این اقدام مثبت فضای جهانی را به نفع ایران مثبت کند بلکه باید این را با اتهامات قدیمی علیه ایران، تلخ کنیم. حالا اگر شما این را به عنوان رفتار طرف مقابل ببینید، ببینید که 53 لایحه قانونی به مجلس می برند که بگویند فضا مناسب نیست. وقتی می خواهند حتی اعلام ادامه روند برجام را بکنند، همزمان 4 تا اتهام تلخ هم علیه ایران می زنند. هدفشان چیست؟ هدفشان این است که از شکل گیری یک فضای مثبت بین المللی مانع شوند برای اینکه ایران نتواند از مزایای برجام بهره مند شود. خب، در چنین شرایطی

وظیفه یک دلسوز داخلی چیست؟ آیا وظیفه یک دلسوز داخلی این است که در سخنرانی اعلام کند هیچ آدم عاقلی در ایران سرمایه گذاری نمی کند؟! یعنی به همین فضای تنش و تشنج دامن بزنند؟ یا باید به دنیا بگویند که ایران بهترین فرصت سرمایه گذاری است که واقعیت هم هست. تمام مقالاتی که در مورد وضعیت ایران می نویسند این است که ایران بهترین فرصت سرمایه گذاری است. من اینجا تاکید می کنم چرا ما بهترین فرصت سرمایه گذاری هستیم؟ برای اینکه ما پیشرفت‌مان، امنیت مان و آرامش مان را متکی به مردم هستیم و این را همه دنیا می فهمند. بنابراین من امیدوارم، اجماعی که امروز ایجاد شده در اینکه برجام یک خواست و تعهد ملی است، در عمل در روزهای آینده و بویژه در ماه و سالهای آینده به شکلی باشد که ما بتوانیم بیشترین استفاده را از برجام بکنیم و بیشترین استفاده از برجام بردن، نیازمند ایجاد فضای اطمینان برای سرمایه گذار داخلی و سرمایه گذار خارجی است. ما نباید سرمایه گذار داخلی را از ایران برانیم. ما نباید سرمایه گذار خارجی را نگران آینده سرمایه اش بکنیم که در ایران سرمایه گذاری نکند. بعضی شعارها، تنها نتیجه اش این است که سرمایه گذار را از کشور می راند و نه تنها سرمایه گذار خارجی جلب نمی کند که سرمایه گذارهای خودمان را هم از دست می دهیم. چون منابع داخلی ما، منابع بسیار خوبی است. فقط باید کارآفرینان داخلی تشویق شوند که در داخل سرمایه گذاری کنند و من امیدوارم این اجماعی که چند روزه مشاهده کردیم در آینده هم ادامه پیدا کند.

*به این 53 طرحی که اشاره کردید و هیچوقت هم تصویب نشده در داخل و در برخی رسانه ها برجسته می شود.

سوال من هم همین است دیگر. اگر ما معتقدیم که آمریکا هیچ چیز که مصلحت ما در آن باشد را نمی خواهد؛ اما می بینیم تندروترین افراد آمریکایی هر روز دارند بر طبل این حرفها می کوبند. حتی سناتور تندروی آمریکایی به ما نامه می نویسد و مثلا مشفقانه به ما راهنمایی می کند که به آقای اواما متکی نباشید. آیا این سناتور، دلش به حال ما سوخته؟ نه. او میخواهد فضا را ملتهب نگه دارد. دوستان ما هم در داخل با این روشها و این کارهای تبلیغاتی و رسانه ای که به نظرم با برخی اهداف احتمالا سیاسی از دو، سه سال قبل شکل گرفته، همان کار را انجام می دهند. یعنی با همان هدف به دنیا اعلام می کنند که وضعیت ایران مناسب نیست و ایران جای سرمایه گذاری نیست. 53 تا تحریم علیه ایران است! تحریم هایی که هیچ وقت تصویب نشده و هیچ انعکاس در جهان نداشته و فقط توسط برخی از دوستان داخلی تبلیغ می شده است. من یاد نمی رود در دوران دولت گذشته، چون سیاستهای دولت را قبول نداشتیم ولی معتقدم که در حوزه سیاست خارجی نباید دولت مستقر را با انتقادهای مکرر رسانه ای تضعیف کرد به همین دلیل هم شما ملاحظه می کنید از روزی که از سازمان ملل متحد برگشتم، تا روزی که مسئولیت را برعهده گرفتم، مصاحبه ای انجام ندادم. شاید یکی، دو تا سخنرانی که انهم در یک محفل غیرعلنی بود و بعدا بعضی از همین دوستان تلاش کردند که آن را علنی کنند. اما سخنرانی نکردم گرچه نظر داشتم و نظراتم را کتبی برای مقامات عالی نظام می فرستادم. پیشنهادهای مطرح میکردم اما مصاحبه ای نکردم. نکته سر این است که چه میزان از آن همه تحریم که در آن زمان علیه کشور می شد، تحریم واقعی و نه طرح تصویب نشده، در رسانه های دوستان مطرح می شد؟ چند تا؟ چون دوستان که ظاهرا خیلی اعتقاد ندارند باید از دولت مستقر، دفاع و حمایت کرد. اگر نظرشان این بود که باید مردم آگاهی داشته باشند و اگر نظرشان این بود که مردم باید بدانند در خارج دشمنان این نظام و مردم علیه شان چه کار میکنند و اگر معتقد بودند که دانستن واقعا حق مردم است، چرا هیچکدام از این تحریم ها، هیچ انعکاسی در داخل نداشت؟ چرا قطعنامه شورای امنیت که انواع مجوزهای اقدامات خلاف حقوق بین الملل را به بدخواهان ایران می داد، از اقدامات اقتصادی گرفته تا فراتر از آن، محروم کردن دانشجویان ایرانی از درس خواندن در کشورهای خارجی، چرا هیچکدام از اینها منعکس نمی شد؟ چرا هیچکدام از اینها برای افکار عمومی تشریح نمی شد که بعضی از مردم خیال کنند اینها چیزهای جدیدی است. 53 طرح تصویب نشده، حتما دهها برابر تحریم هایی که در طول هشت سال قبل از این دولت تصویب شد، اجرا شد و بر اقتصاد ایران تاثیری گذاشت که در طول سه، چهار سال گذشته فقط مشغول آواربرداری و تلاش بر بازگرداندن اقتصاد بر ریل قبلی اش بودیم، اما چرا هیچوقت راجع به اینها صحبت نمی شد و چرا این میزان راجع به این 53 طرح تصویب نشده صحبت می شود؟ این سوالی است که من فکر می کنم حتما باید به آن پاسخ داده شود.

*بعضا ترجمه های غلط هم از این قطعنامه می شده و رسانه ها از آن استفاده می کردند. شما موردی را به یاد دارید که کلمه ای جابجا بنده یا جمله ای غلط به مخاطب ارائه شود؟

زیاد بود. امروز هم از ترجمه های غلط زیاد می بینیم و هم در دور گذشته، ترجمه های غلط استفاده می شد. البته در دو جهت متضاد! یک مورد که خیلی فاحش بود این بود که در قطعنامه ای- صرفنظر از جزئیات چون بنا ندارم مردم را از آنچه که در آن زمان اتفاق افتاده نگران کنم- بندی آمده بود که هیچ چیز در این قطعنامه کشورها را "مجبور نمی کند" که بعضی اقدامات را بکنند. دوستان ما ترجمه کرده بودند و هنوز هم ادعا می کنند که این عبارت یعنی اینکه "اجازه نمی دهد" بعضی اقدامات را علیه ایران بکنند؛ که البته چیز عجیبی بود! آن کلمه ای که در انگلیسی به کار رفته اگر هر دایره العمارف یا فرهنگ لغت را زیر و رو هم بکنید، حتی جزو آخرین یا کم استفاده ترین معانی اش "اجازه دادن" نیست. به هر شکلی که می خواستند ترجمه کنند باید از "اجبار" در آن ترجمه استفاده می کردند. چیزی که به نظر من یکی از خطرناک ترین جملات قطعنامه های شورای امنیت بود را با ترجمه غلط به اینکه اتفاقا این قطعنامه خیلی خوب هم هست، چون "اجازه نمی دهد" چنین کاری علیه ایران صورت بگیرد!

*در این ایام مجددا بحث حمله به سفارت عربستان طرح شد. مخصوصا این ماجرای حمله به سفارت عربستان هم در داخل و هم در صحنه بین المللی چه مضرات و چه آفاتی را برای کشور داشته است؟

سیاستهایی که دولت عربستان اعمال می کرد مخصوصا اعدام شیخ نمر، سیاستهایی بود که جز محکومیت برای دولت سعودی حاصلی نداشت. دنیا امروز به خوبی فهمیده که حمایتی که از افراط و تدروی در دنیا صورت گرفته، منبع مالی و تسلیحاتی اش از کجا بوده. در این شرایط یک اقدام ناخردانه و به نظر من اقدامی که حتما ناآگاهانه بوده ولی نتیجه اش برای کشور ما خیانتبار بوده، باعث شد که یک فرصت تنفسی و حتی یک فرصت یارگیری به سعودی ها بدهد و حتما اقدامی بود که برای کشور

بسیار ضایعه بزرگی بود همانطور که مقام معظم رهبری فرمودند. همان طور که سایر مقامات کشور گفتند. ما کشوری هستیم که براساس موازین بین المللی عمل می کنیم و هیچگاه چنین چیزی نباید در کشور ما اتفاق بیفتد.

*همین چند روز اخیر یک اتهامی که به آقای روحانی می زدند، می گفتند که در حین مذاکرات ایشان گفتند که خزانه خالی است و آن را به مثابه یک پیغام خیلی بد به طرف مقابل در مذاکره تعبیر کردند. اساسا این سخن واقعا می تواند برای آن طرف پیغام منفی باشد؟ سوال دوم هم اینکه شما به بحث بیلورد اشاره کردید و یکسری حملات نسبت به تیم هسته ای که بعضا اتهامات سنگینی بود را بیشتر دل تیم مذاکره کننده را خالی می کرد یا این سخن آقای روحانی؟

شرایط اقتصادی کشور برای همه دنیا بسیار واضح است. گزارشهایی که در دنیا چاپ و پخش شده بود، کاملا مشخص بود و اینطور نبود که اظهارات ریاست محترم جمهوری خیر جدیدی را به دنیا بدهد. آنها با طراحی برای این کار برنامه ریزی کرده بودند و دقیقا می دانستند که دارند چکار می کنند. شما ببینید! وقتی می خواستند ایران را تحریم نفتی بکنند، شش ماه به خودشان فرصت دادند که بتوانند براساس آن برنامه ریزی کنند و نیاز خودشان را کم کنند. ما هم اتفاقا در دولت قبل، اجازه دادیم که آنها از این شش ماه فرصت استفاده کنند! یعنی به عبارت دیگر، همه این محاسبات را دنیا کرده بود. باید برویم نگاه کنیم که چرا برخلاف تصویری که دوستان داشتند، وقتی تحریم نفتی ایران اجرایی و عملیاتی شد بجای اینکه قیمت نفت به 200 دلاری که دوستان پیش بینی کرده بودند، برسد، روند نزولی قیمت نفت شروع شد. چون در آن شش ماهی که می خواستند نفت ایران را تحریم کنند، سعودی و دیگران آمدند و به تدریج نه تنها جای نفت ایران را گرفتند بلکه بازار را آنچنان اشباع کردند که ما نتایجش را تا مدتها بعد هم دیدیم. لذا این اطلاعات در باره وضعیت نابسامان اقتصاد ما برای تمام دنیا کاملا واضح بود و آن صحبت ها اطلاعات جدیدی به آن ها نمی داد. اما آنچه مهم است اقداماتی است که این دولت انجام داد که باعث شد ما در مذاکرات بتوانیم موفق باشیم و آن این بود که وضع اقتصادی ایران را بهبود بخشید. ما در اوج تحریم با توجه به اینکه در یکسال و نیم اول تحریم ها برداشته نشد، فقط توانستیم از اضافه شدن تحریم ها جلوگیری کنیم و بعد از توافق ژنو، ماهیانه 700 میلیون دلار پول نقد وارد کشور کنیم که برای کشور بسیار مهم بود اما این دو نکته به تنهایی باعث نمی شد که کشور بتواند در وضعیت دولت قبل که هر روز تورم بالا می رفت و رکود شدیدتر می شد، وضعیتش را بهبود ببخشد. شما ملاحظه بفرمایید که دولت اگر نمی توانست تورم را کنترل کند، رکود را کنترل کند آنوقت بود که برای مذاکره کنندگان پیام غلط می رفت؛ و آن وقت بود که طرف مقابل احساس می کرد جمهوری اسلامی نیازمند رسیدن به نتیجه است. ما در واقع توانستیم با اقداماتی که صورت گرفت و با نظم و انضباط مالی و اقتصادی، کشور را به شکلی به جامعه بین المللی معرفی کنیم که با اتکاء به مردم وضعیت اقتصاد علیرغم تحریم ها قابل بهبود است. همان طور که مقام معظم رهبری فرمودند آنچه که برای ما امنیت و پیشرفت آفریده، مردم ما هستند. این مردم بودند که با حضورشان در انتخابات طرف مقابل را از اینکه از طریق تحریم بتواند اراده مردم ما را بشکند، ناامید کردند. همین مردم بودند که با انتخابشان دولتی را سر کار آوردند که این دولت توانست طرف مدت کوتاهی تورم را از 45 درصد به 25 درصد برساند و در زمانی که هنوز مذاکره می کردیم و هنوز تحریم ها برداشته نشده بود، تورم کشور به زیر 20 درصد رسید؛ رکود متوقف شد. این پیام واقعی بود که به دنیا منتقل شد. پیام واقعی که به دنیا منتقل شد این است که جمهوری اسلامی حتی با تحریم می تواند اقتصاد خودش را احیاء کند و به پیش برود. البته برای شکوفایی اقتصاد، نیاز است که این زنجیره‌هایی که تحریم بر دست و پای اقتصاد کشور بسته و بر معیشت مردم کشور بسته، برداشته شود و این هدف دولت بود. اما در مقابل بعضی حرفهایی که در مورد تیم مذاکره کننده می زدند که به لطف خدا و با درایت مقام معظم رهبری و با مداخله های مکرر ایشان که فرمودند هیات مذاکره کننده ما این خصوصیات را دارند و مورد اعتماد ما هستند، اگر این فرمایشات مقام معظم رهبری نبود، پیامی که برخی گروه ها به خارج می دادند، این بود که طرفهایی که در مقابل شما نشستند، افراد ضعیف، غیرباورمند به توانمندی های مردم و انقلابند؛ که این هیچ قدرتی برای مذاکره برای ما باقی نمی گذاشت. ما خدا را شاکریم که ضمن حمایت مردم، مقام معظم رهبری در بزنگاه های تاریخی، ورود کردند و این حرکت بسیار خطرناک و مخرب امنیت ملی را شکاندند و اجازه ندادند خارجی ها احساس کنند کسانی که در مقابلشان در پشت میز مذاکره نشستند، افراد ضعیفی هستند و افرادی اند که در کشور خودشان به آنها باور ندارند و افرادی اند که در کشور خودشان، معتقدند که اینها کسانی نیستند که بخواهند از حقوق ملت دفاع کنند. تقاضا می کنم دوستانی که بعضی حرفها را می زنند مثلا به دروغ می گویند که هیات مذاکره کننده برای منافع حزبی مذاکره کرد! حرفی سخیف تر و غیرواقعی تر و خطرناک تر از این نمی توان گفت. به خاطر اینکه اگر یک خارجی فکر کند که شما برای منافع داخلی دارید مذاکره می کنید، حتما با شما درست مذاکره نمی کند و من از برخی دوستان تعجب می کنم که چنین آدرس های غلطی را به خارج می دهند.

*بحث از مردم شد. امروز برخی از همین جریانها یک دوقطبی 96 درصدی و 4 درصدی دارند ایجاد می کنند که آقای روحانی گفتند این یک کپی از جنبش والستریست است. آنجا 92 درصد بوده و اینجا به چه دلیلی شده 96 درصد؟!، اساسا شباهتی بین جنبش والستریست در آمریکا و چیزی که امروز در کشور ما هست، وجود دارد؟

من اصولا اعتقاد دارم آنچه که باعث موفقیت مردم و نظام شده و آنچه که باعث شد انقلاب پیروز شود، همانی است که حضرت امام(ره) فرمودند «وحدت کلمه» بود. ما یک مردمیم، یک جامعه ایم، یک هدف داریم. مردم را دسته دسته نباید بکنیم. ما باید بپذیریم که آنچه که براساس نص صریح قرآن توانست امت اسلامی را نجات دهد، وحدت، همدلی و نزدیک شدن آنها بود و نقطه مقابلش را قرآن کریم به «و کُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» تعبیر کرده و به این عنوان ترسیم می کند. یعنی دو دستگی، دو قطبی شدن در واقع ورود به یک آتشی است که دامن همه را خواهد گرفت و به واسطه اسلام از آن نجات یافتیم. مردم این کشور، مردمی اند که در سایه انسجام و اتحادشان و در سایه همدلی شان زیر پرچم منافع ملی و حمایت رهبری توانستند به این میزان از توفیقا برسند. همه این مردم را تکریم کنیم و به همه شان احترام بگذاریم و از همه شان بخواهیم که برای ساختن یک ایران بهتر، مقتدرتر، پیشرفته تر و یک ایران با شرایط اقتصادی و وضعیت معیشتی بسیار بهتر برای همه ایرانیان و برای صد درصد مردم ایران تلاش کنیم.

*در مورد شباهت ...

من وارد مقایسه های داخلی نمی شوم.

*در همین مناظرات دو تا بحث مطرح شد؛ یکی اینکه گفتند وزارت خارجه و تجارت بین الملل ایجاد می کند. اول اینکه اساسا امروز چیزی جز این را شاهد هستیم و دیگری هم در مورد بحث تولید برق از زباله مطرح شد. ظاهرا تکنولوژی این مبحث از آلمان و با کمک وزارت خارجه بوده است. در این مورد اگر نکته ای هست، بفرمایید.

همانطور که عرض کردم من دایم این نیست که در مورد افراد صحبت کنم و در مورد بحثهای انتخاباتی. اما واقعیت امر این است که روزی که بنده مسئولیت وزارت خارجه را پذیرفتم، در مجلس اعلام کردم که ما قصد داریم که وزارت خارجه از این به بعد هزینه ای بر معیشت مردم نباشد و تمام تلاشمان را بکار خواهیم بود تا بتوانیم کمک به توسعه و پیشرفت کشور و معیشت مردم باشیم. اولین اقدامی که در این زمینه کردیم، برداشتن موانع تحریم ها بود که فکر می کنیم باعث شده موانع بسیاری از اقداماتی که صورت گرفته، رفع شود. آوردن بعضی فناوری هایی که قبلا یا امکان پذیر نبود یا اگر امکان پذیر بود، با چندین واسطه و چندین دور ناکامی صورت می گرفت. ممکن بود یک پمپ را از سه جا بخریم تا بتوانیم یکی از آنها را وارد کنیم. یعنی این سه برابر هزینه و چندین مورد هزینه های واسطه گری، هزینه انتقال پول و همه اینها به این مردم تحمیل می شد فلذا وزارت خارجه در برجام خواست که این موانع را بردارد و بحمدالله این موانع برداشته شده و امروز ابزارهایی که نه کالاهای وارداتی مصرفی که بحمدالله بعد از برجام ورود این کالاها کم شده و در واقع ورود کالاهای سرمایه ای، فناوری، تکنولوژی و ورود ابزارهایی که برای تولید نیاز بوده، امکانی بوده که با رفع تحریم ها فراهم شده است. نکته دوم، هدف گیری اقتصادی در سیاست خارجی است. این نکته بسیار درستی است که وزارت امور خارجه باید در خدمت توسعه اقتصادی کشور باشد اما این کار را وزارت خارجه لااقل در سه سال و نیم گذشته، یا سه سال و هشت ماه گذشته با جدیت دنبال کرده است. بنده در بسیاری از سفرهایم، هیات اقتصادی همراه خود دارم. در اکثر سفرهای من، تعداد اعضای هیات اقتصادی از بخش خصوصی و بخش دولتی که همراه بنده هستند، چندین برابر هیات سیاسی است که همراه من است. من در سفری که به آمریکای لاتین داشتم، هفتاد نفر از کارآفرینان بخش خصوصی را همراه داشتم. در سفری که به اروپای شمالی داشتم، بیش از شصت نفر و در سفرهای دیگری که به آفریقا داشتم و در سفری که به آسیای میانه داشتم و تقریبا در همه سفرهای من، حضور بخش اقتصادی بسیار پررنگ بوده و در بسیاری از سفرهایم، حضور بخش خصوصی حتی پررنگ تر از بخش دولتی بوده است. بخش فناوری و صادرات خدمات فنی و مهندسی و بخش صادرات فناوری های پیشرفته، ما تقریبا در تمام سفرهایمان هیاتی از شرکتهای دانش بنیان و هیاتی از معاونت فناوری ریاست جمهوری داشتیم. اینها در این سفرها توانستند قراردادهای مهمی برای صادرات فناوری و تکنولوژی ببندند. در حوزه نانو تکنولوژی خاطر مهم هست در سفری که به آمریکای لاتین داشتیم، هیات ما توانست موافقت های خیلی خوبی در این زمینه شکل دهد. لذا هدف گیری اقتصادی یکی از اولویت های مهم سیاست خارجی بوده که فقط در حد برنامه هم نبوده و عملیاتی و اجرا شده و ما در سه سال و نیم گذشته می توانیم یک سابقه نسبتا قابل قبولی را از این کار ارائه دهیم. گرچه اقدامات و طراحی بسیار بیشتری باید صورت بگیرد و همانطور که مقام معظم رهبری در فرمایش هایشان در سال گذشته فرمودند، هماهنگی بیشتری باید بین بخش خصوصی و بخش دولتی و بخش سیاست خارجی صورت بگیرد تا ما بتوانیم از این فرصتها بهترین بهره برداری را بکنیم. برای این کار وزارت خارجه، طراحی هایی کرده است. ما یک بانک اطلاعاتی فراگیر ایجاد کردیم که هم فرصتها در ایران را به خارج معرفی کنیم و هم فرصتهای خارج را برای حوزه هایی که در اولویت ما هستند به کارآفرینان داخلی معرفی کنیم. اولویت خودمان را در سه حوزه صادرات و سه حوزه واردات قرار دادیم و من این را بارها اعلام کرده ام. سه حوزه صادرات؛ صادرات کالاهای غیرنفتی، صادرات خدمات فنی و مهندسی و در مواردی که مناسب باشد، صادرات نیروی کار حرفه مند و متخصص است. و در حوزه واردات؛ واردات سرمایه، واردات علم و فناوری و واردات توربسم و گردشگر. ما در این شش حوزه، هدفگذاری کردیم و مهمتر از همه در حوزه ایجاد فضای مناسب بین المللی، برای سرمایه گذاری در کشور که امیدواریم در این حوزه دوستان سیاسی ما بیشتر به ما کمک کنند و فضای کشور را یک فضای آرام- همانطور که هست- یک فضای شاد، پر نشاط و پرامید به دنیا معرفی کنند و نه خلاف آن.

*یکی دیگر از این افراد، دیپلماسی دولت را ملتسمانه خواند و در بخش دیگری از صحبتهايش برای اثبات بی اثر بودن برجام، مستندات حرفش را به صحبتی از شما که گفته بودید «آمریکایی ها نه به متن و نه به روح برجام پایبند بودند» بست.

من قضاوت در مورد اینکه دیپلماسی ایران، دیپلماسی مقتدرانه و عزت مندی بوده به افکار عمومی داخلی و بین المللی واگذار می کنم. همه دنیا معتقدند که دیپلماسی ایران، دیپلماسی عزت مند، متعادل و دیپلماسی مبتنی بر تعامل از موضع قدرتی که زائیده از حضور مردم در صحنه و توانمندی های متعدد کشور است، بوده است. من به توانمندی اقتصادی اشاره کردم که چگونه توانست ما را کمک کند. حتما توانمندی دفاعی ما، حتما انتخاب های صحیحی که در منطقه در مبارزه با تروریسم و در مبارزه با افراسی گری داشته ایم، کمک کرده به این اقتداری که به لطف خدا در صحنه بین المللی داشتیم و من تعجب می کنم از دوستانی که چنین تصویری را که ممکن است در داخل فوایدی برایشان داشته باشد ولی در خارج برای نظام و کشور هیچ فایده ای که ندارد، ضرر هم دارد که به خارجی ها بگوییم دیپلماسی ما ملتسمانه است که کم کم هم باورشان می شود. یعنی فکر می کنند که افرادی که با این صلابت در مقابلشان می نشینند و مذاکره می کنند در واقع از نظر داخلی ها دارند التماس می کنند! و این خیلی پیام بد و آدرس غلطی است که به خارجی ها در این زمینه ها بدهیم. ما حتما برای اینکه منافع این مردم را پیش ببریم، محکم در صحنه بین المللی ایستاده ایم و محکم با زیاده خواهی ها و بدعهدی های آمریکا از ابتدا مقابل کرده ایم. اگر این مقابله ها و تلاش ما برای احقاق حداکثری حقوق مردم نبود که مذاکرات 18 ماه طول نمی کشید. کما اینکه برخی ادعاهای خلافی را در این زمینه متاسفانه مطرح کرده اند و به این و آن هم نسبت داده اند که همه نسبت ها حتما خلاف است. مذاکرات با تلاش فراوان؛ هر قدم این مذاکرات با مجاهدت کسانی که برای گرفتن حقوق مردم مذاکره می کردند، پیش رفت. ما چیزی را از خارجی ها هیچوقت نخواستیم و فقط حقوقمان را خواستیم و برای گرفتن این حقوقمان، ذره ذره اش را در 18 ماه مذاکره کردیم و برای عملیاتی کردن حقوقی که در برجام گرفته بودیم، باز هم ذره ذره مذاکره کردیم. مثل اینکه 9 ماه

طول کشید تا ما بتوانیم دولت آمریکا را ناگزیر کنیم تا تعهدی که برای فروش هواپیما به ایران کرده بود، اجرایی کند. خاطرتان هست آن دوستانی که آن روز به ما ایراد می گرفتند، معتقدند بودند که یکی از این هواپیماها به ایران نخواهد آمد. من پیشنهاد می کنم دوستان مطالبی که خودشان در بعضی روزنامه ها نوشتند را بروند و بخوانند. دوستان بعد از توافق ژنو اعلام کردند که توافق به ایران اجازه نمی دهد که در خاک ایران غنی سازی داشته باشد. من تقاضا می کنم، مردم ما یادشان باشد که این حرف زده شده و در روزنامه دوستان نوشته شده! می توانند بروند و ببینند که الان ساترفیوژهای ما در حال غنی سازی و پیشرفت است. ما به بالاترین سطح فناوری خودمان در این حوزه رسیده ایم. چرا یادشان رفته که در روزنامه هایشان چه نوشته بودند؟ چرا فراموش کردند تیر بزرگشان را «پرواز هواپیماهای کاغذی در فضای انتخابات»؟! آیا این هواپیما کاغذی بود که خودشان رفتند و در این هواپیما نشستند؟ دوستانی که در هواپیما نشستند، روی بادبادک نشستند و به هوا رفتند؟ هواپیما، کاغذی بود؟ فراموش کردند فرمایشات خودشان را؟ فراموش کردند تیرهای خودشان را؟ ما حرفهای دقیق برای جذب حداکثری منافع کشور زدیم و به حرفهایی هم که می زنیم، افتخار می کنیم. به خاطر اینکه ما برخلاف آنچه که برخی می گویند حتی یک لحظه برای پیگیری منافع مردم، ملاحظات داخلی را در نظر نگرفتیم. ملاحظه ما، فقط حفظ منافع مردم بود و برای همین هم هست که ایستادیم و گفتیم که آمریکا نه تنها اقداماتی که می کند، با روح برجام سازگار نیست بلکه با متن برجام هم سازگار نیست. خاطر مبارکتان هست که من چه زمانی این صحبت را کردم؟ من زمانی این صحبت را کردم که آقای ترامپ ادعا کردند که اقدامات ایران با روح برجام سازگار نیست و بنده در پاسخ او گفتم که اقدامات ما هم با روح برجام و هم با متن برجام سازگار است و کارهای شما نه با روح و نه با متن سازگار است. ما این حرکتها را می کنیم برای اینکه در برابر طرف خارجی، با عزت، صلابت، سربلندی و قدرتمندی عمل کنیم. دوستان ما در داخل می گویند که پرواز هواپیماهای کاغذی در فضای انتخابات یعنی دارند به خارجی خط می دهند که آقای عزیز و آقای غیرعزیز! شما قرار نیست که این هواپیما را به ما بدهید و ما آماده ایم که تعهدات شما اجرا نشود. این حرفها را دارند می زنند. حرفهایی که مکرر می زنند، دارند به طرف آمریکایی می گویند ما که خودمان را آماده کرده ایم که تو تعهدات برجامی ات را انجام ندهی. از طرف دیگر دارند به جامعه بین المللی می گویند آنچه که ما به دست آوردیم، درواقع یکسری کاغذ است! بعد به حرف من روز بعد از اجرایی شدن برجام استناد می کنند که من گفتم فعلا آمریکا تعهداتش در برجام را روی کاغذ اجرا کرده. بله، هنوز هم می گویم. ما ناگزیر بودیم، تک تک این تعهدات کاغذی آمریکا را عملیاتی کنیم و این تلاشی بوده که همکاران من شبانه روز بعد از اجرایی شدن برجام انجام دادند و بحمدالله تا حد زیادی اجرایی و عملیاتی شده. فقط من می خواهم دوستانی که گفتند «پرواز هواپیماهای کاغذی در فضای انتخابات» را ببینیم یا آنها که گفتند «اجازه نخواهند داد که در ایران غنی سازی صورت بگیرد» یا آنها که گفتند «توافق ژنو اجازه نمی دهد که ما بتوانیم تحریمهای هسته ای را برداریم» یا آنها که گفتند «آمریکایی ها نمی پذیرند که ایران غنی سازی داشته باشد و نمی توانیم با آنها به نتیجه برسیم». اینها که دیگر حرف نبوده و نوشته شده و بحمدالله روزنامه، سایت و خبرگزاری هم زیاد داشتند، یک راستی آزمایی بکنند. اصلا لازم نیست راجع به آینده صحبت کنیم تنها یک راستی آزمایی راجع به گذشته بکنیم. ببینیم چقدر از این حرفهایی که دوستان نوشتند، اجرایی شده و بعد آنوقت راجع به آینده صحبت کنیم.

*همین حضرات پا را فراتر گذاشته و برجام را باعث خفت و خواری ملت ایران دانستند و خواستار محاکمه شما شدند! در این مورد اگر صحبتی دارید، بفرمایید.

از آنها سپاسگزارم که بار تقصیرهای گذشته مرا به دوش می گیرند و کم می کنند و امیدوارم که خودشان این آمادگی را آنجا که همه ما محاکمه خواهیم شد، داشته باشند. یعنی روزی که «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْإِيمَانَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» روزی که این عده و عده ها و این جماعتهایی که جلوی این شعارها را می دهند، به کار کسی نمی آید. آنجا قلب سلیم است. من پیشنهاد می کنم به قلب خودشان مراجعه کنند و ببینند آن وجدان انسانی همه شان که ان شاءالله دست نخورده باقی مانده، این حرفی که راجع به کسانی زدند که شبانه روزشان را برای دفاع از منافع کشور صرف کردند، می پذیرد؟ اگر وجدانشان پذیرفت آنوقت بعد می توانند امیدوار باشند که در برابر دادگاه واقعی، یعنی دادگاه عدل الهی هم پاسخگو هستند.

*درباره کلیه‌هایی که منتشر شده، گفته اند که دست آقای روحانی می لرزد و این را به حالت تمسخر بیان کردند. گوی اینشان از طرف مقابل ترسیده! شما وقتی این صحبتها را شنیدید با توجه به اینکه سابقه آشنایی شما با آقای روحانی به سالهای دور برمیگردد چه نظر و واکنشی داشتید؟

واقعا متأسف شدم که برخی دوستان تا چه حد حاضرند آخرت خودشان را فدای یک منفعتی که خیلی هم زیاد نیست و یک چیز زودگذر است و شاید کسی که این را نوشته، 10 ثانیه دلش را خوش کرده که این حرف را زده، می کنند؟ من یقین دارم که دوستان می دانستند دارند خلاف می کنند و این واقعا باعث تأسف است.

*کلیپی هم در ابتدا از تلویزیون و بعد هم در شبکه های اجتماعی از یک کم‌دین پخش شد که گفتند منظورشان حضرتعالی بوده است. جمله نه چندان جالبی که «اگر کار بلد نیستی، برو فلان کار را بکن»، در این مورد اگر صحبتی دارید، بفرمایید.

فرمودند که منظورشان بنده نبودم و من هم اصل را بر همین گذاشتم.

*یعنی به شما پیام دادند.

نه، اعلام کردند.

*یکسری تحریمها که گفته می شود با وجود برجام همچنان وجود دارد درحالی که غیرهسته ای است را توضیح دهید. معتقدند که تحریم ها همچنان پابرجاست و این تحریمهای هسته ای که برداشته شده، درواقع ارتباطی با آن تحریم هایی که سابقا بوده، ندارد!

البته دوستان ما به صورت کلی می‌گویند که تحریم‌ها برداشته نشده! خوشحال می‌شدیم که انقدر دقیق بگویند که تحریم‌های هسته‌ای برداشته شده و تحریم‌های غیرهسته‌ای برداشته نشده. واضح هم هست چون ما وارد مذاکره در مورد تحریم‌های غیرهسته‌ای نشدیم و قرار هم نبود که بشویم. ما از بنیه دفاعی، از سیاستهای منطقه‌ای کشور دفاع می‌کنیم و حاضر نیستیم در آن حوزه‌ها با دیگران مذاکره کنیم. در آن حوزه‌ها، متأسفانه در طول چندین سال دولت قبل، با استفاده از آن فضا سازی جهانی و امنیتی سازی ایران، تحریم‌های دیگری هم علیه ایران تصویب کرده بودند. خیلی از این تحریم‌ها در همان هفت، هشت سال تصویب شد؛ اما به دلیل هسته‌ای تصویب نشد بلکه به بهانه‌های دیگر تصویب شد. گرچه از فضا سازی امنیتی که با هسته‌ای ایجاد کرده بودند، بهره بردند. ما در برجام قرارمان این بود که تحریم‌های هسته‌ای برداشته شود. تحریم‌های اصلی هسته‌ای در سه حوزه بود؛ نفت، بانک، حمل و نقل. البته یک تحریم‌های کناری هم بود مثل فلزات گرانبها و پتروشیمی که به نفت مرتبط می‌شد. همه اینها همگی برداشته شد. واقعیتش هم قابل لمس است. روزی که مذاکره را شروع کردیم، حتی یک کشتی ما بیمه جهانی نداشت اما امروز 70 کشور ما بیمه جهانی دارد، یعنی همه کشتی‌ها. روزی که ما تحریم را شروع کردیم، یک بانک خارجی با ایران رابطه سوئیفت نداشت، رابطه کارگزاری نداشت اما امروز نزدیک به 300 بانک خارجی با ایران رابطه کارگزاری دارند و در سال گذشته دهها هزار مورد ارتباط سوئیفتی داشتیم. روزی که ما مذاکرات را شروع کردیم، نفت ایران 900 تا 950 هزار بشکه فروش می‌رفت اما امروز 2 میلیون و 500 هزار بشکه فروش می‌رود. در واقع اینها دیگر شعبده بازی نیست بلکه عدد است. خوب، آقایان می‌گویند که تحریم برداشته نشده، نشان دهند که چگونه برداشته نشده؟ ما نفت می‌فروشیم و پولش را می‌گیریم اما در آن زمان نفت می‌فروختیم و پولش را هم نمی‌توانستیم بگیریم و مجبور بودیم در برابر پولش، کالا بیاوریم. آنهم چه نفتی؟ نفتی که هر شش ماه یکبار، 20 درصد از فروشش کم می‌شد. ضمن اینکه یکسری از کشورها بعد از شش ماه اصلاً خرید نفت ما را متوقف کردند. یک گروه دیگر هم که معدود کشورهای طرف معامله ما بودند، هر شش ماه 20 درصد خرید نفتشان از ایران را کاهش می‌دادند تا مورد تحریم آمریکا قرار نگیرند. هیچ بانکی هم که اجازه تبادل نداشت. آنچه دوستان می‌گویند یک بانک در ترکیه و یک بانک در کشور دیگر، آن اطلاعات مال 4 سال قبل است. آن اطلاعات مال زمانی است که هیچکس هیچ در مورد وضعیت تحریم‌ها نمی‌گفت. امروز دهها بانک در اروپا، در منطقه، در چین، در ژاپن، در روسیه، در کره جنوبی و در همه کشورها دارند با ایران به صورت روزمره کار می‌کنند که اینها جزو تحریم‌ها بوده ولی الان برداشته شده. البته بعضی تحریم‌های دیگر منجمله‌های دوجانبه آمریکا برداشته نشده، هیچوقت هم کسی ادعا نکرد که تحریم‌های دوجانبه آمریکا و غیرهسته‌ای آمریکا و اتحادیه اروپا برداشته می‌شود ضمن اینکه ما همه این تحریم‌ها را غیرقانونی و ظالمانه می‌دانیم اما در آن حوزه‌ها به انتخاب ما، مذاکره‌ای صورت نگرفت. ما انتخاب کردیم که مذاکره نکنیم. یعنی نظام انتخاب کرد که مذاکره محدود به حوزه هسته‌ای باشد. در حوزه هسته‌ای مذاکره کردیم و در حوزه هسته‌ای به تفاهم رسیدیم و در حوزه هسته‌ای توانستیم ضمن حفظ دستاوردهای هسته‌ای، تحریم‌ها را هم برداریم. موضوع مذاکره ما هم همین بود. البته آمریکا 38 سال است که ایران را تحریم می‌کند اما قسمت اعظم تحریم‌های آمریکا در 8 سال دولت گذشته اتفاق افتاده است. واقعا جالب است که دوستان ما که خودشان در زمان مسئولیت خودشان هم تحریم‌های هسته‌ای و هم سایر تحریم‌های دیگر را به کشور تحمیل کردند و کسانی که مسئول آن اتفاقات ناهنجار بودند، امروز سوال می‌کنند که چرا تحریم‌ها برداشته نشده؟ چرا وقتی تحریم‌ها تحمیل می‌شد ساکت بودید و حتی افتخار می‌کردید؟ چرا فروش نفت به صورت رسمی و توسط وزارت نفت امروز از دید دوستان "خام فروشی" است ولی آن روزها که برای همین "خام فروشی" از دلال‌هایی که میلیاردها دلار سرمایه مردم را غارت کردند استفاده می‌شد کسی حرفی نمی‌زد؟ تحریم‌های هسته‌ای همانطور که گفتیم برداشته شده، بنادر ما امروز فعال شده و تحریم نیست. بانکهای ما فعال شده و علاوه بر آن ما توانستیم در بعضی حوزه‌ها که ارتباطی هم به هسته‌ای نداشت، مشکل حمل و نقل کشور را حل کنیم که مهمترین آن حوزه هواپیماست. 37 سال بود برای خرید یک هواپیما ناگزیر بودیم سراغ شرکتهایی برویم که هواپیمای مستعمل خودشان و هواپیمایی که اقل 5، 6 سال کار کرده بود را به ما می‌فروختند و بعد ما کسانی که این کار را می‌کردند، تشویق می‌کردیم! اما حالا دوستان ما سه تا هواپیمای نو خریدند و به ایران آورده‌اند و مردم سوارش می‌شوند، براساس یک فضا سازی کاذب می‌گویند که این هواپیماها مرجوعی‌اند! برای اینکه هواپیما را خارج از نوبت خریدند و رفتند نوبت دیگران را که قبلاً هواپیما سفارش داده بودند و به هر دلیلی سفارششان را متوقف کرده بودند و هواپیما را نبرده بودند، ما برای اینکه بتوانیم سریع تر هواپیما را در اختیار مردم قرار دهیم و مردم استفاده کنند و این روند ان شاء الله هرچه سریع تر به بار بنشیند و آثار و تبعات بین المللی داشته باشد، همان هواپیمای کاغذی در فضای انتخابات!- را وارد کشور کردیم و حالا دوستان تبلیغات راه می‌اندازند که هواپیما مرجوعی است! خوب، 37 سال بود که ما در بهترین شرایط هواپیمای 5 تا 10 سال کارکرده می‌خریدیم حالا هواپیمای نوی که 10 ساعت هم پرواز آزمایشی انجام نداده، هواپیمای مرجوعی است؟ چرا عزت و سربلندی این مردم را که همه چیزمان را به آنها مدیونیم همانطور که رهبری و حضرت امام فرمودند که این مردم ولی نعمت ما هستند، تحقیر می‌کنید؟ چرا هواپیمایی که وارد کشور شده را می‌گویید مرجوعی؟ چرا این همه امکانات که با مقاومت و اراده این مردم برای کشور فراهم شده را اینطور برخورد می‌کنید و تخطئه می‌کنید و در واقع امید و سربلندی این مردم را زیر سوال می‌برید؟

برچسب‌ها: [انتخابات](#) [1]

[شهرداری](#) [2]

[برجام](#) [3]

[محمدجواد ظریف](#) [4]